



## متن کامل خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی - 14 / بهمن / 1390

### خطبه‌ی اول

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين احمده و اشكره و استعينه و استغفره و اتوكل عليه و اصلى و اسلم على حبيبه و نجيبه و خيرته فى خلقه حافظ سرّه و مبلغ رسالاته بشير رحمته و نذير نقمته سيدنا و نبينا و حبيب قلوبنا ابي القاسم المصطفى محمد و على ءاله الأطيبين الأطهرين و صحبه المنتجبين و من تبعهم باحسان الى يوم الدين و صلّ على ائمة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين و صلّ على بقيّة الله فى الأرضين. اوصيكم عباد الله بتقوى الله و نظم امركم.

همه‌ی برادران و خواهران عزیز نمازگزار و خود را دعوت و توصیه میکنم به حفظ تقوای الهی؛ این اصل حرکت یک انسان به سمت کمال و تعالی است. اگر به توفیق الهی بتوانیم در عمل فردی، در عمل جمعی، در کار سیاسی، در کار اجتماعی، رعایت تقوای الهی را بکنیم، همه‌ی خیرات و همه‌ی الطاف الهی شامل حال ما خواهد شد.

ایام مبارک دهه‌ی فجر است. در دهه‌ی فجر، آنچه که بر این حقیر و امثال این حقیر لازم است، دو تشکر است: اول، شکر الهی. با کمال خشوع، با کمال تواضع، جبهه‌ی شکر بر درگاه الهی میسائیم که این توفیق را نصیب ملت ایران کرد؛ این حرکت عظیم، این کار بزرگ، این نهضت تاریخ‌ساز، به دست ملت ایران و با رهبری امام بزرگوار انجام گرفت؛ نظام اسلامی تشکیل شد؛ حرکت ملت ایران به سمت خدا، به سمت اهداف الهی، به سمت ارزشهای الهی آغاز شد. هیچ نعمتی از این بالاتر نیست و شکر الهی بر این نعمت بزرگ همیشه لازم است و در ایام دهه‌ی فجر، لازمتر. تشکر دوم، تشکر از ملت ایران است؛ وفاداری کردند، جوانمردی به خرج دادند، گذشت کردند، ایثار کردند، شجاعت نشان دادند، بصیرت به خرج دادند؛ حضور دائمی خود را در طول این سی و سه سال آنچنان حفظ کردند که این نهال با همه‌ی خطرهای، با همه‌ی مشکلات، روزبه‌روز تنومندتر شد، بارورتر شد، بالنده‌تر شد. امروز مثل همان شجره‌ی طیبه‌ای که «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»، (1) در زمین زندگی بشریت ریشه دوانده است و ثمرات و آثار آن به‌طور متواتر نائل و واصل میشود.

امسال بخصوص دهه‌ی فجر ما حال و هوای دیگری دارد. امسال در فضای انقلابهای پیروز این منطقه، چه در تونس، چه در مصر، چه در لیبی، حرکت انقلابی مردم به نتیجه رسید، کارهای بزرگی انجام گرفت؛ این برای ما ملت ایران



مژده‌ی بزرگی است، حادثه‌ی شیرین و مبارکی است. امسال ما دهه‌ی فجر و بیست و دوی بهمن را در یک چنین فضای برگزار میکنیم. باید گفت ملت ایران با پیروزی این انقلابها، به‌طور نسبی از غربت در آمد؛ که حالا امروز من ان‌شاءالله یک مختصری در این زمینه عرض خواهم کرد.

در این خطبه، سه سرفصل را برای برادران و خواهران عزیز نمازگزار و برای ملت ایران مطرح میکنم؛ در خطبه‌ی دوم با برادران عرب بیشتر سخن خواهم گفت. این سه مطلب، یکی درباره‌ی انقلاب خود ماست؛ مسیری که در این سه دهه طی کردیم، دستاوردهائی که داشتیم، و آینده‌ای که در انتظار ماست. مطلب دوم، نگاهی به مسائل منطقه و مسائل جهان است. مطلب سوم هم دو سه نکته‌ی کوتاه در باب انتخابات پیش رو است.

درباره‌ی مطلب اول، کتابها حرف وجود دارد برای گفتن. آنچه که من به عنوان خطوط اساسی انقلابمان عرض میکنم، فقط یک دو سه جمله است، که شرح و تفصیل آن بسیار طولانی و مفصل است. این خصوصیات در انقلاب ما وجود داشت. انقلاب ما رژیم ضد اسلام را از بین برد، رژیم اسلامی بر سر کار آورد؛ رژیم دیکتاتور و مستبد را از بین برد، رژیم مردم‌سالار به جای آن نشاند؛ وابستگی‌ای که کشور ما در طول سالهای متمادی گرفتار آن بود و در دوران پهلوی‌ها به فجیع‌ترین و فضح‌ترین وضع خود رسیده بود، از بین برد و استقلال همه‌جانبه را به ملت ما داد؛ اختناق نفسگیری که بر ملت ما حاکم بود، از بین برد، آزادی به این ملت داد - آراء خودشان را، حرفهای خودشان را بتوانند آزادانه ابراز کنند؛ فضا، فضای آزادی شد - تحقیرشدگی تاریخی ملت ما را از بین برد، عزت ملی داد. دهها سال ملت ما تحقیر شد. این ملت بزرگ، با این سابقه‌ی تاریخی، با این موارث عظیم فرهنگی و علمی و تاریخی، در مقابل حکام زورگو و فاسد، و پشت سر آنها در مقابل مستعمران و سلطه‌گران بین‌المللی تحقیر شد. انقلاب ما این را از بین برد، تبدیل کرد به عزت ملی. امروز ملت ایران احساس عزت میکنند، احساس تشخص میکنند. انقلاب، ضعف نفس و خودکم‌بینی را در ملت ما از بین برد؛ به جای آن، اعتماد به نفس ملی را به ملت داد. ما خودکم‌بینی داشتیم؛ فکر میکردیم نه کار علمی از ما برمی‌آید، نه کار سیاسی از ما برمی‌آید، نه کار عظیم نظامی از ما برمی‌آید. ما فکر میکردیم یک ملت ضعیفی هستیم؛ این را به ما تلقین کرده بودند، تزریق کرده بودند. انقلاب این را از ملت گرفت، به جای آن، اعتماد به نفس ملی به ما داد. ما امروز در همه‌ی میدانها اعتماد به نفس داریم؛ میدانیم که میتوانیم، و دنبال این توانستن حرکت میکنیم، و همه جا هم بحمدلله به مقاصدمان میرسیم.

ملت ما از مسائل سیاسی منزوی بود، روگردان بود، حوادث کشور را مورد توجه قرار نمیداد. انقلاب این حالت را از ملت ما گرفت، ما را تبدیل کرد به یک ملت آگاه و سیاسی. امروز نوجوانهای ما هم در دورترین نقاط کشور تحلیل سیاسی میکنند، حوادث سیاسی را درک میکنند، روی هر مسئله‌ای تحلیل میگذارند. قبل از انقلاب اینجور نبود. سیاست‌گرایی و سیاست‌فهمی مخصوص یک عده‌ی انگشت‌شمار در این کشور بود. مردم عموماً دور از حوادث کشور بودند؛ دولتها می‌آمدند و میرفتند، قراردادهای بین‌المللی بسته میشد، کارهای بزرگ در دنیا انجام میگرفت، ملت



خبر هم نمیشد. اینها خطوط اصلی این انقلاب است که این حوادث را در این کشور به وجود آورد. این اصول، نهادینه شده است؛ تثبیت شده است. این تحولات، سطحی نیست؛ مقطعی نیست. شعارهای انقلاب، امروز همان شعارهای روز اول است؛ که این نشان‌دهنده‌ی سلامت انقلاب است. شعارها مثل انگشت اشاره‌ای هستند که به هدفها اشاره میکنند، هدفها را ترسیم میکنند. وقتی شعارها تثبیت شده در یک نظامی، در یک انقلابی باقی ماند، معنایش این است که هدفها در این نظام به شکل اول است؛ هدفها تغییر پیدا نکرده است؛ دست‌اندرکاران و مردم از صراط مستقیم و هدفهای اصلی منحرف نشده‌اند. امروز شعارهای ملت ایران، همان شعارهای اول انقلاب است.

خب، در این دوره، در این سی و چند سال، زندگی ما تحت تأثیر همین خطوط اساسی قرار گرفته است. ما پیشرفتهائی داشتیم، ضعفها و نقصهائی هم داشتیم. پیشرفتهامان را باید بشناسیم، ضعفهامان را هم باید بشناسیم. اگر ضعفهای خودمان را پنهان کنیم، نشناسیم، تجاهل کنیم، این ضعفها خواهد ماند، نهادینه خواهد شد؛ برطرف نخواهد شد. همه‌ی نقاط قوت و ضعف را باید بدانیم.

نقاط مثبت و منفی هر دو هست، افت و خیز هست، اما حرکت ادامه داشته است؛ این مهم است. جوانهای عزیز ما بدانند؛ در طول این سی و دو سه سال مواردی شده است که ما ضعف نشان دادیم، این حرکت افت و خیز داشته است. همیشه یک جور نبوده است؛ گاهی سرعت و شتاب، گاهی کمتر، اما حرکت هرگز متوقف نشده است و ما در همان جهت اصلی پیش رفتیم؛ که امروز محصول آن را داریم مشاهده میکنیم.

من چند تا از نقاط قوتی را که در این مدت داشته‌ایم، عرض کنم، چند تا هم از نقاط ضعف را عرض کنم. مهمترین نقطه‌ی قوت ما در این سی و دو سه سال عبارت است از غلبه‌ی بر چالشها؛ این خیلی مهم است. ما یک ملتی نبودیم که سرمان را پائین بیندازیم، راهمان را برویم، کسی به ما کاری نداشته باشد؛ نه، از روز اول قدرتهای مجهز جهانی، مسلطنین جهانی با ما کار داشتند؛ بنای بر اذیت گذاشتند، بنای بر مانع‌تراشی گذاشتند؛ علیه ما جنگ تحمیل کردند، صدام را به جان ما انداختند، هشت سال ما را گرفتار کردند، تروریست آوردند، تحریم کردند. ما تا امروز بر همه‌ی این چالشها غلبه پیدا کرده‌ایم؛ یعنی هیچکدام از این چالشها نتوانسته است ملت ما و انقلاب ما را پشیمان کند، به زانو در بیاورد؛ ما بحمدلله راهمان را با قامت استوار ادامه داده‌ایم. این مهمترین نقطه‌ی قوت ماست.

یک نقطه‌ی قوت دیگر در این مدت، گسترش خدمات به ملت است، کم‌ و کیفاً. این خدمات نه با گذشته‌ی نزدیک قبل از انقلاب، بلکه با گذشته‌های دوردست هم قابل مقایسه نیست. خدمات عظیمی که در سراسر کشور گسترش



پیدا کرده است، هم کیفیتهای این خدمات بالاست، خدمات درجه‌ی اول است - مادی و معنوی - هم کمیت و گسترش آنها زیاد است. این يك نقطه‌ی قوت مهمی است.

نقطه‌ی قوت دیگر، پیشرفت علمی است. عزیزان من! این پیشرفت علمی را دست کم نگیرید. این پیشرفت‌ها خیلی مهم است. علم، پایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه‌ی يك کشور است. این حدیث را من يك وقتی خواندم: «العلم سلطان»؛ (2) علم، اقتدار است. هر کس این اقتدار را داشته باشد، میتواند به همه‌ی مقاصد خود دست پیدا کند. این مستکبران جهانی به برکت علمی که به آن دست پیدا کردند، توانستند به همه‌ی دنیا زور بگویند. البته ما هرگز زور نخواهیم گفت، اما علم برای ما به عنوان يك پیشرفت حتماً لازم است.

پیشرفت‌های علمی ما در این مدت سی و چند سال، پیشرفت‌های حیرت‌آوری است. حالا فناوری هسته‌ای تصادفاً معروف شده است و همه توجه دارند - هم در کشور، هم در دنیا - لیکن فقط این نیست؛ فناوری هسته‌ای هست، علوم هوافضا هست، علوم پزشکی هست - خوشبختانه امروز کشور ما حائز رشته‌های بسیار مهم و دست‌نیافتنی پزشکی است و کارهای بزرگ پزشکی در این کشور انجام میگیرد - زیست‌فناوری هست، نانوفناوری که از علوم جدید و دانش‌های نوی دنیاست، هست؛ سلول‌های بنیادی که یکی از بزرگترین کارها در عرصه‌ی علم است، هست؛ شبیه‌سازی، ساخت ابررایانه‌ها، فناوری انرژی‌های نو، رادیوداروهای مهم و داروهای ضد سرطان هست؛ و این فهرست ادامه دارد.

اینهائی که من عرض میکنم، رجزخوانی نیست؛ این گواهی مراکز علمی معتبر دنیاست. آنها میگویند سریع‌ترین رشد علمی در همه‌ی دنیا در این سالها، در ایران اتفاق افتاده است. این گزارش سال 2011 است که میگوید سریع‌ترین رشد علمی در همه‌ی دنیا در ایران اتفاق افتاده است. طبق گزارشی که مراکز علمی معتبر دنیا داده‌اند، رتبه‌ی علمی اول منطقه، ایران است. ما این رتبه‌ی اول علمی را برای سال 1404 در نظر گرفتیم؛ هنوز چهارده سال باقی است. همین سال میلادی گذشته گفتند ایران از لحاظ رتبه‌ی علمی در منطقه اول است، در دنیا هفدهم. در سطح دنیا رتبه‌ی علمی کشور ما هفدهم است؛ اینها خیلی مهم است. پس یکی از نقاط قوت ما، پیشرفت علمی است.

یکی دیگر از نقاط قوت ما، پیشرفت‌های کشور در ایجاد زیرساخت‌های فنی و مهندسی و صنعتی است؛ که هر وقت بینندگان خارجی آمدند دیدند و بازدید کردند، آنها را به تحسین وادار کرده است. این کارهای عظیمی که در زمینه‌ی ارتباطات، راه‌ها، ارتباطات مخابراتی و زیرساخت‌های گوناگون فنی و مهندسی و صنعتی و امثال اینها انجام گرفته



است، يك داستان جداگانه است. من واقعاً متأسف ميشوم وقتی می بینم این گزارشهای روشن و خوب، آنچنان که باید و شاید، به مردم داده نمیشود که مردم خوشحال بشوند؛ بفهمند در کشور چه اتفاقی دارد می افتد.

یکی دیگر از نقاط قوت ما در این مدت، انتقال ارزشهای انقلاب به نسل دوم و سوم بود. امروز شما جوانها را نگاه میکنید، می بینید این ارزشها را دریافت کرده اند. همین شهید عزیز اخیر ما، مصطفی احمدی روشن - شهیدی که شهادتش دل ما را سوزاند - یا آن شهید جوان قبلی، شهید رضائی نژاد، که اوائل امسال به شهادت رسید، اینها دو تا جوان، دانشمند، سی و دو سه ساله بودند؛ امام را درک نکردند، جنگ را درک نکردند، دوران انقلاب را درک نکردند، اما اینجور با شجاعت، با شهامت درس میخوانند، تحصیلات میکنند، مقامات عالی را طی میکنند؛ میدانند و میفهمند هم که مورد تهدیدند، اما میروند؛ این خیلی مهم است، این ارزش است؛ این ارزشهای انقلاب است در نسل سوم. احمدی روشن و رضائی نژاد و امثال اینها نسل سوم انقلابند. همین حرکت عظیم این جوانها که بعد از شهادت احمدی روشن اعلام کردند ما حاضریم بیائیم کار کنیم، خیلی مهم است؛ اینها را نباید دست کم گرفت. یکی از نقاط قوت و مثبت ما همین است که این ارزشها به نسلهای دوم و سوم منتقل شد. البته ریزش داشته ایم، توبه کار از انقلاب و پشیمان از انقلاب داشته ایم، اما رویشهای ما بیشتر از ریزشهای ما بوده است. نیروهای فرسوده ریزش پیدا کردند، اما نیروهای جوان و باطراوت بالا آمدند و رویش پیدا کردند.

یکی دیگر از نقاط مثبت ما در این مدت، ارتقاء جهش وار در اثرگذاری در مسائل عمده ی منطقه و مسائل جهان است. امروز نظام جمهوری اسلامی، يك کشور اثرگذار است؛ «آری» و «نه» او در مسائل منطقه، حتی در مسائل جهانی اثر میگذارد؛ این برای کشور خیلی مهم است.

یکی دیگر از نقاط قوت ما، بنیه ی قوی و ساخت محکم کشور و نظام در مواجهه ی با دشمنی هاست. ما در مقابل دشمنی ها مضطرب نمیشویم، نگران نمیشویم، دغدغه پیدا نمیکنیم. بنیه ی نظام و بنیه ی کشور، بنیه ی مستحکمی است.

یکی دیگر از نقاط قوت ما، ارتقاء کمی و کیفی مراکز علمی ماست؛ یعنی دانشگاهها و حوزه های علمیه. هم حوزه های علمیه ی ما از لحاظ کمی و از لحاظ کیفی ارتقاء پیدا کرده است، هم دانشگاه های ما. اینها نقاط قوت ماست، و هر کدام از اینها شرحهای طولانی میطلبد، آمارهائی دنبالش هست، و غیر از اینها هم نقاط قوت زیادی داریم.



من این جمله را در ادامه‌ی نقاط قوت عرض بکنم که ملت ایران توجه داشته باشند همه‌ی این پیشرفتهای علمی و اجتماعی و فنی در شرائط تحریم اتفاق افتاده است؛ این خیلی مهم است. دروازه‌های علم را، دروازه‌های فناوری را بر روی ما بستند، راه‌ها را مسدود کردند، محصولات مورد نیاز ما را به ما نفروختند و ما اینجور پیشرفت کردیم. این اتفاقها در شرائط تحریم افتاده است؛ این است که امیدها افزایش پیدا میکند.

ما البته ضعفهائی هم داریم؛ این ضعفها را بایستی از بین ببریم. من بعد برمیگردم به این مسئله‌ی تحریم و شرائطی که تحمیل شده است و یک جمله‌ای عرض خواهم کرد. ضعفهای ما خطرهای است که در سر راه ماست و در این مدت وجود داشته است و باید بعدها جلوی اینها را بگیریم. اولین ضعف ما گرایش به دنیاطلبی بود که گریبان بعضی از ماها را گرفت. بعضی از ما مسئولین دچار دنیاطلبی شدیم، دچار مادیگرایی شدیم؛ برای ما ثروت، تجمل، آرایش، تشریفات و اشرافیگری یواش از قبح افتاد. وقتی ما اینجور شدیم، این سرریز میشود به مردم. میل به اشرافیگری، میل به تجمل، میل به جمع ثروت و استفاده‌ی از ثروت به شکل نامشروع و نامطلوب، به طور طبیعی در خیلی از انسانها هست. وقتی ما خودمان را رها کردیم، ول کردیم، دچار شدیم، این سرریز میشود به مردم؛ در مردم هم این مسئله پیدا میشود.

ما امروز متأسفانه دچار اسراف و مصرف‌زدگی هستیم. من بارها این را عرض کرده‌ام، باز هم عرض میکنم؛ این خطر است در راه ما. مصرف‌زدگی را باید کم کنیم، حرص به متاع و کالای دنیا را باید کم کنیم. تا یک شایعه‌ای درست میشود که فلان چیز کم است، مردم هجوم می‌آورند برای اینکه بیشتر آن را جمع کنند، که نبادا دچار کمبود آن شوند؛ در حالی که آن شیء ممکن است جزو چیزهای لازم زندگی هم نباشد. خوب، اگر آن جنس کم هم نیست، همین هجوم مردم آن را کم میکند. ما به این مسئله توجه نمیکنیم. این یکی از ضعفهای ماست؛ ما این ضعف را باید برطرف کنیم.

یکی دیگر از ضعفهای ما این است که ما به موازات علم، به موازات پیشرفتهای علمی، پیشرفت اخلاقی و تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی پیدا نکرده‌ایم؛ این عقب‌ماندگی است. البته امروز در مقایسه‌ی با قبل از انقلاب، بمراتب و مراتب بهتر است - در این هیچ شکی نیست - اما باید پیشرفت می‌کردیم. در علم پیشرفت کردیم، در سیاست پیشرفت کردیم؛ باید در معنویت و در تزکیه‌ی نفس هم پیشرفت می‌کردیم. در قرآن هر جا تزکیه و تعلیم از زبان پروردگار است، تزکیه مقدم است بر تعلیم؛ آن هم تعلیم کتاب و حکمت - «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمة» (3) - فقط یک جا از زبان حضرت ابراهیم، تعلیم مقدم است. بنابراین ما از تزکیه‌ی اخلاقی و نفسی غفلت کردیم.



در عدالت اجتماعی هنوز به نقطه‌ی مورد نظر اسلام - که آرزوی خود ما بوده است - نرسیده‌ایم؛ این هم از نقطه‌ضعفهای ماست. این ضعفها را بایستی جبران کنیم. اینها ضعفهایی است که نمیشود از آنها گذشت. هم مسئولین، هم آحاد مردم باید احساس کنند وظیفه دارند این ضعفها را برطرف کنند. ان شاءالله باید از خدای متعال کمک بخواهیم و این ضعفها را برطرف کنیم. و البته میشود برطرف کرد؛ اینها بدون تردید برطرف کردنی است.

خب، به نظر من کارهایی که باید انجام بگیرد برای اینکه این ضعفها برطرف شود، در درجه‌ی اول این نگاه به آینده است؛ در درجه‌ی اول مسئولیت‌پذیری ماهاست. همه‌ی ما باید احساس مسئولیت کنیم؛ بخصوص مسئولین کشور و خدمتگزاران مردم باید احساس مسئولیت کنند. تقصیرها را گردن هم نیندازیم. اینجور نباشد که اگر يك جا يك نقصی پیدا شد، مجلس بگوید تقصیر دولت است، دولت بگوید تقصیر مجلس است، آن یکی بگوید تقصیر قوه‌ی قضائیه است؛ نه، حدود مشخص است. قانون اساسی خطوط را مشخص کرده است. وظائف همه معلوم است. رهبری مسئولیت دارد، دولت مسئولیت دارد، مجلس مسئولیت دارد، قوه‌ی قضائیه مسئولیت دارد، نیروهای نظامی مسئولیت دارند، دستگاه‌های اجرائی هر کدام مسئولیتهائی دارند؛ به گردن هم نیندازیم. اشکالی به وجود می‌آید، متوجه رهبری است؛ رهبری متواضعانه قبول کند که این اشکال متوجه اوست و سعی کند آن را برطرف کند. این یکی از اساسی‌ترین کارهاست.

کار اصلی دیگر این است که از ارزشهای اصولی نباید غافل شد. سرگرم مسائل فرعی و فروع نشویم، از اصول غافل بمانیم. این هم شرح مفصلی دارد.

حفظ اتحاد و همدلی، یکی دیگر از وظائف ماست. بارها عرض کرده‌ایم که بین مسئولین باید اتحاد و همدلی باشد. سه قوه و دیگران باید با هم همدل باشند، همگام باشند، همدست باشند؛ ولو يك جاهائی اختلاف نظرهای دارند. اختلاف نظر اشکالی ندارد؛ اما بایستی در جهتگیری‌های نظام و کشور و انقلاب پشت به پشت یکدیگر بدهند، دست یکدیگر را محکم بفشردند و به پیش بروند؛ هم اینها، هم مردم با هم، هم مردم با مسئولین. این اتحاد و همدلی، علاج قطعی بسیاری از مشکلاتی است که در کشور وجود دارد.

یکی از کارهای اصلی که باید انجام بدهیم و همه باید به آن توجه داشته باشیم، این است که فریب لبخند دشمن و وعده‌های دروغ جبهه‌ی دشمن را نخوریم. در این سی سال، تجربه هم پیدا کرده‌ایم. گاهی به روی ما لبخند زدند. اوائل گاهی بعضی از ما باور میکردیم. یواش یواش فهمیدیم پشت صحنه چیست. فریب لبخند دشمن را، فریب وعده‌های دروغ دشمن را نخوریم. جبهه‌ی قدرت مادی‌ای که امروز بر دنیا مسلط است، راحت عهد میشکند. بدون





هیچ دغدغه‌ای عهدشکنی نمیکنند، زیر قولشان میزنند، زیر حرفشان میزنند، نه از خدا خجالت میکشند، نه از خلق خجالت میکشند، نه از طرف مذاکره خجالت میکشند؛ راحت دروغ میگویند! من نمونه‌های زنده دارم - که حالا در اینجا جای بحثش نیست؛ شاید آن وقتی که لازم باشد، عرض بکنم - همین اظهاراتی که آمریکائی‌ها کردند، رئیس جمهور آمریکا کرد؛ نامه‌ای که به ما نوشت، جوابی که ما دادیم؛ بعد عکس‌العمل و اقدامی که آنها با مضمون آن نامه‌ها کردند. اینها یک روزی در اختیار افکار عمومی دنیا - آن وقتی که لازم باشد - قرار خواهد گرفت؛ خواهند دید که اینها چه جوری‌اند، حرفشان چقدر اهمیت و ارزش دارد، وعده‌شان چقدر ارزش دارد. بنابراین یکی از کارهای اساسی ما این است که فریب لبخند و وعده‌ی دروغ اینها را نخوریم.

یکی هم پرهیز از تنبلی و کم‌کاری است. کسالت، کم‌کاری و تنبلی، یک انسان را، یک خانواده را، یک کشور و یک ملت را تباه میکند. همه باید کار کنند؛ کار جهادی. این که ما امسال گفتیم جهاد اقتصادی، یعنی تحرك اقتصادی باید جهادگونه باشد. خب، این راجع به مسائل انقلاب. حرف زیاد است، اما وقت کم است؛ به آن مسائل بعدی هم باید برسیم.

اما مسائل منطقه و جهان. در این یک سالی که بین دهه‌ی فجر گذشته و امسال هست، ملت‌های منطقه در به زیر کشیدن چهار طاغوت موفق شدند؛ این خیلی مهم است. برای اینکه یک ملتی یکی از این طاغوتها را به زیر بکشد، تلاش‌های زیادی لازم است. در این سالی که فاصله‌ی بین آن دهه‌ی فجر و این دهه‌ی فجر است، چهار طاغوت خطرناک خبیث این منطقه به زیر کشیده شدند؛ این خیلی حادثه‌ی مهمی است.

یک حادثه‌ی مهم دیگر این است که در تونس و مصر، مردم به اسلام رأی دادند. در مصر حدود هفتاد و پنج درصد مردم رفتند پای صندوق‌های رأی و به گروه‌های اسلامی رأی دادند؛ در تونس هم شبیه همین؛ اینها خیلی مهم است. این معنایش این است که همه‌ی تلاشی که آمریکائی‌ها و غربی‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی و هالیوود و غیره و غیره از لج جمهوری اسلامی در این سالها انجام دادند برای اینکه اسلام‌هراسی کنند و حکومت اسلامی هراسی کنند، نقش بر آب شده است؛ مردم طرفدار اسلامند.

یکی از آثار این حرکتها، ضعف و انزوای رژیم صهیونیستی است؛ که این هم خیلی مهم است. چون رژیم صهیونیستی در این منطقه حقیقتاً غده‌ی سرطانی است و باید قطع بشود و قطع خواهد شد، بنابراین بر اثر این حرکتها دچار ضعف و انزوای بیشتر از همیشه شد. جوانان فلسطینی نشاط پیدا کردند، امید پیدا کردند، به مبارزات خودشان و آینده‌ی خودشان امیدوار شدند. ملت‌ها امیدوار شدند.





البته در بین این ملتها، ملت بحرین از همه مظلوم‌ترند؛ چون متأسفانه مورد سکوت و بایکوت همه‌ی رسانه‌های دنیا قرار دارند. در هیچ منطق انسانی و جهانی، درخواست آنها مردود نیست، بلکه درخواست بحقی است، لیکن مظلوم واقع شده‌اند؛ بکلی اینها را از دایره‌ی تبلیغ و ترویج خارج کرده‌اند، بلکه علیه آنها مرتباً تبلیغ میکنند. البته اثر هم ندارد. آن ملت هم به توفیق الهی پیروز خواهد شد.

من همین جا به این مناسبت، این جمله را عرض بکنم: حکام بحرین ادعا کردند که ایران در قضایای بحرین دخالت میکند. این دروغ است. نه، ما دخالت نمیکنیم. ما آنجائی که دخالت کنیم، صریح میگوئیم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش میکنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است. اما اینکه حالا حاکم جزیره‌ی بحرین بیاید بگوید ایران در قضایای بحرین دخالت میکند، نه، این حرف درستی نیست؛ حرف خلاف واقعی است. ما اگر در بحرین دخالت میکردیم، اوضاع در بحرین جور دیگری میشد!

در جهان هم اوضاع، اوضاع غریبی است. آمریکا دچار ضعف شده است - هم ضعف اقتصادی و مالی، هم ضعف سیاسی - این هم يك واقعیتی است. آمریکا در سیاست خاورمیانه‌ای خودش شکست خورد، در قضیه‌ی فلسطین شکست خورد، در قضیه‌ی عراق شکست خورد. آمریکائی‌ها میخواستند عراق را مستقیماً خودشان اداره کنند، نتوانستند - ملت عراق ایستاد و نگذاشت - خواستند دولتی دست‌نشانده بیاورند، نتوانستند؛ خواستند با کاپیتولاسیون بمانند، دولت و ملت عراق اجازه ندادند. امروز دولت عراق يك دولت مردمی است، ملت عراق يك ملت زنده و بیدار است؛ و همین موجب شد که آمریکائی‌ها بدون هیچ دستاوردی، آنچه که میخواستند، نشد، از عراق خارج بشوند. البته دخالت‌های نفتی دارند، دخالت‌های امنیتی دارند؛ که لابد ملت و دولت عراق ان شاءالله در آینده برای آن هم فکری خواهند کرد.

در قضایای داخلی هم - که آمریکائی‌ها سعی میکنند این را پنهان کنند - آمریکا دچار ضعف است. نمیخواهند اقرار کنند که دچار ضعفند. اوباما در سخنرانی چند روز پیش در کنگره، کمترین اشاره‌ای به این نکرد که ملت آمریکا بیش از چهار ماه است که توی خیابان‌هایشان توی این هوای سرد، در سرتاسر آمریکا، در ایالت‌های مختلف، این همه مردم بیایند توی خیابان‌ها بایستند، در مقابل فشار پلیس و ضربه‌های سخت پلیس ایستادگی کنند، این قابل اشاره کردن نبود؟! اصلاً اشاره‌ای نکردند. میخواهند پنهان کنند. این هم حقوق بشرشان است. اروپا هم همین جور است. اروپا هم دچار ضعف است. غیر از مسائل اقتصادی و مالی و پولی - که اینها ضعف‌های عجیبی است و مردم را خشمگین کرده



است - از لحاظ سیاسی هم اروپا امروز دچار ضعف است.

من برای شما يك مثال بزنم. دولت فرانسه در دوران ژنرال دوگل که رئیس جمهور فرانسه بود، اجازه نداد که انگلیس وارد اتحادیه‌ی اروپا بشود. چرا؟ گفتند انگلیس وابسته‌ی به آمریکا است؛ نوع ارتباطات انگلیس و آمریکا، اتحادیه‌ی اروپا را از استقلال می‌اندازد. دوگل نگذاشت که انگلیس وارد اتحادیه‌ی اروپا شود، به خاطر ارتباط و اتصال و وابستگی به آمریکا. این مربوط به آن روز فرانسه است. این آقایی که امروز در فرانسه سر کار است، حرفهای آمریکا را رله میکند؛ همان حرفهایی را که آنها میخواهند، آنچه که در دل آنهاست، تکرار میکند؛ شده تابع محض! خب، این ضعف است. کار اروپا به اینجا رسیده است. این فرانسه است؛ کشورهای دیگر اروپائی هم به طریق اولی همین طورند. این ضعف این دستگاه‌هاست.

امروز غربی‌ها در مسائل اقتصادی دچار ضعفند، در مسائل سیاسی دچار ضعفند، در تصمیمات بین‌المللی دچار ضعفند؛ از جمله همین تصمیم به تحریم ما. اینها خواستند در واقع جمهوری اسلامی را، ملت ایران را به خاطر اسلام مجازات کنند. تهدید کردند: تحریمهای فلج‌کننده، تحریمهای دردآور! هی گفتند، گفتند. این تحریمها از دو جهت به نفع ماست: اولاً وقتی ما تحریم بشویم، به استعداد و ظرفیت داخلی رو می‌آوریم، از داخل رشد میکنیم؛ همچنان که در این سی سال این مسئله اتفاق افتاده است. اگر در زمینه‌ی سلاح تحریم نمیشدیم، امروز این پیشرفتهای عجیب را نداشتیم؛ اگر در قضیه‌ی اتمی، اینها نیروگاه بوشهر را خودشان ساخته بودند، ما در غنی‌سازی پیشرفت نمی‌کردیم؛ اگر درهای علم را به روی ما نبسته بودند، ما در سلولهای بنیادی و هوافضا و فرستادن ماهواره به آسمان، به اینجاها نمیرسیدیم. پس هرچه ما را تحریم میکنند، ما به ظرفیت داخلی خودمان متوجه میشویم و رو می‌آوریم و این ظرفیت و استعداد روزبه‌روز مثل چشمه‌ی جوشانی شکوفا میشود. پس این تحریم به نفع ماست.

جهت دومی که این تحریمها به نفع ماست، این است که اینها همین طور مرتباً در تبلیغاتشان میگویند ما این تحریمها را میخواهیم بر ایران اعمال کنیم تا ایران را وادار به عقب‌نشینی کنیم؛ حالا مثلاً در قضیه‌ی هسته‌ای. پس همه‌ی دنیا فهمیدند که این تحریمها برای فشار بر ایران، برای عقب‌نشینی در قضیه‌ی هسته‌ای و قضایای دیگر است. خب، وقتی ما عقب‌نشینی نکردیم، چه اتفاقی می‌افتد؟ این تحریمها برای این است که ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند، ایران هم که عقب‌نشینی نخواهد کرد؛ نتیجه این میشود که هیبت غرب و هیبت تهدیدهای غرب در چشم این ملت‌های منطقه که قیام کردند، میشکند و عزت ملت ایران و قدرت ملت ایران در چشم اینها زیاد میشود؛ و این به نفع ماست. بنابراین، این تحریمها برای ضربه زدن به ماست، اما از این دو جهتی که عرض کردم، در واقع خدمت به ماست.



این وضع اروپاست. اروپا دچار مشکلات لاینحل اقتصادی است. مردم در اروپا خشمگینند، به مسائل اقتصادی معترضند. من قبلاً هم این را گفته‌ام؛ آن روزی که ملت‌های اروپا بدانند که این وضعیت ضعیفی که دچارش شده‌اند، به خاطر دخالت آمریکا و دخالت شبکه‌ی صهیونیستی جهانی است، این اعتراض‌های به خاطر اهداف اقتصادی، تبدیل خواهد شد به یک نهضت عظیم اجتماعی؛ آن وقت است که دیگر باید منتظر دنیای جدیدی بود و دنیای جدیدی به وجود خواهد آمد.

یک جمله هم راجع به این تهدیدهای آمریکا عرض بکنیم. مرتباً تهدید میکنند؛ تهدید به این زبان: همه‌ی گزینه‌ها روی میز است! یعنی حتی گزینه‌ی جنگ. این، تهدید به جنگ است با این زبان. خب، این تهدید به جنگ، به ضرر آمریکاست؛ خود جنگ، ده برابر به ضرر آمریکاست. چرا این تهدیدها به ضرر آمریکاست؟ به خاطر اینکه خود این تهدیدها نشان‌دهنده‌ی عجز آمریکا از مقابله‌ی منطقی و مقابله‌ی گفتمانی است؛ یک گفتمانی در مقابل گفتمان جمهوری اسلامی ندارند؛ نمیتوانند در میدان مقابله‌ی فکری و منطقی، برای خودشان غلبه‌ای ایجاد کنند؛ مجبور میشوند توسل به زور و تشبث به زور بکنند. این معنایش این است که آمریکا جز زور، هیچ منطقی ندارد؛ جز خونریزی، هیچ راهی برای پیشبرد خود ندارد. این، اعتبار آمریکا را بیش از آنچه که تاکنون شکسته است، در چشم ملت‌ها و در چشم ملت خودش خواهد شکست؛ این همان چیزی است که سرنوشت رژیم‌ها را معین میکند. آن رژیمی، آن نظامی که اعتبارش در چشم مردم خودش بشکند، سرنوشتش معلوم است؛ مثل رژیم شوروی سابق. اتفاقاً بعضی از صاحب‌نظران غربی همین چند روز قبل گفتند که امروز وضع آمریکا و غرب شبیه وضع شوروی سابق در سال‌های اواخر دهه‌ی 80 میلادی است که منجر به سقوط شد. یعنی وقتی یک رژیمی، یک نظامی از لحاظ گفتمان، از لحاظ منطق، در چشم مردم خودش ساقط بشود، دیگر امیدی به بقای این رژیم نیست. لذا هرچه تهدید کنند، به ضررشان است. البته آنها و دیگران بدانند - میدانند هم - که ما هم در برابر تهدید به جنگ و تهدید به تحریم نفتی، تهدیدهای داریم که در وقت خودش، آن وقتی که لازم باشد، ان شاء الله اعمال خواهد شد.

درباره‌ی انتخابات هم من چند جمله‌ای عرض بکنم. برادران و خواهران عزیز! ملت عزیز ایران! انتخابات مصونیت‌بخش به کشور است. آن چیزی که هیبت این ملت را حفظ میکند، قدرت معنوی او را به رخ دشمنان میکشاند و آنها را از تعرض منع میکند و میترساند، حضور مردمی است؛ که یکی از مظاهرش همین انتخابات است، یکی از مظاهرش هم همین بیست و دوی بهمنی است که شما در مقابل دارید. هرچه حضور پررنگ‌تر باشد، اعتبار و ارزش ملی بالاتر خواهد رفت. انتخابات هم همین جور است. هرچه صندوق‌های رأی شلوغ‌تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت، مصونیت کشور بیشتر خواهد شد. مشارکت مردم میتواند آینده‌ی کشور را تأمین و تضمین کند. یک مجلس صالح و سالم و قوی میتواند بر عملکرد همه‌ی دستگاه‌های کشور اثر بگذارد؛ بر عملکرد دولت، بر عملکرد قوه‌ی قضائیه، حتی بر عملکرد نیروهای مسلح میتواند اثر بگذارد. مجلس قوی، مجلس صالح، مجلس سالم، یک چنین وضعی دارد. خب، این مجلس را کی میتواند تشکیل بدهد، جز مردم؟ دشمن این را نمیخواهد. الان دو سه ماه است بوقهای تبلیغاتی دشمن دارند تلاش میکنند که مردم را ناامید و مأیوس کنند تا در انتخابات شرکت نکنند؛ بعضی هم در داخل بدون اینکه بفهمند چه کار دارند میکنند، متأسفانه با آنها همصدا



میشوند! آنها مغرضند، اینها غافلند.

مسائل کوچک را نباید بزرگ کرد. نباید القاء بحران کرد. سعی میکنند با هزار وسیله اثبات کنند که در ایران بحران هست. چه بحرانی؟ کدام بحران؟ کشور آرام، ملت قوی، بانشاط؛ این همه کار از سوی دستگاه‌های گوناگون، از سوی آحاد مردم در این کشور دارد انجام میگیرد. به توفیق پروردگار، امنیت کامل برقرار است. دستگاه‌ها با همدیگر همکاری داشته باشند. اگر همکاری نکنند، کارها خیلی بهتر هم خواهد شد. دشمن این را نمیخواهد.

آنچه در انتخابات لازم است، رقابت سالم است؛ رقابت بدون تهمت‌زنی و بدگویی به یکدیگر است. فضای انتخابات باید سالم باشد. مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را میشناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمیشناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینشهای انتخاباتی استفاده کنند. مجریان انتخابات در اجرای درست انتخابات، دقت کامل را به کار ببرند. اینها چیزهائی است که میتواند يك انتخابات خوب را برای کشور به ارمغان بیاورد. این سی و دو سه انتخاباتی که از اول انقلاب تا امروز داشتیم، خوشبختانه همه‌ی اینها سالم بوده. البته در همه‌ی اینها کسانی معترض بوده‌اند، اعتراضها رسیدگی هم شده، احیاناً تخلفات بوده است، اما هرگز عدم سلامت در انتخابات وجود نداشته است. بعد از این هم باید همین جور باشد.

من دو سه جمله راجع به این مسئله‌ی صلاحیتها عرض بکنم. شورای نگهبان صلاحیتهای افرادی را احراز میکند، بعضی را هم احراز نمیکند. من اینجا سه تا نکته عرض بکنم: نکته‌ی اول این است که شورای نگهبان از لحاظ قانونی موظف است صلاحیتها را احراز کند؛ باید تشخیص بدهد، باید برسد به این که این صلاحیت وجود دارد. البته توصیه‌ی همیشگی ما این بوده است که سطح صلاحیتها را آنقدر بالا نبرند که يك عده‌ی معدودی ته آن بمانند. آنچه که موجب صلاحیت است، يك قدری سطح آن را باسماحت‌تر نگاه کنند.

نکته‌ی دوم این که بعضی‌ها به این نظارت‌های شورای نگهبان و عوامل نظارتی معترضند. ممکن است اعتراضشان بجا و واقعاً درست هم باشد؛ منتها توجه کنیم که وقتی يك مقام مسئول قانونی مورد اعتماد تصمیمی گرفت، ما تسلیم باشیم. همه‌مان باید تبعیت کنیم. مثلاً مجلس يك قانونی را میگذراند؛ ممکن است من به آن قانون اعتراض داشته باشم، بگویم این قانون معیوب است؛ اما قانون است، باید بر طبقش عمل کنم. وقتی يك مقام مسئولی که مورد اعتماد هم هست - مثل شورای نگهبان - تصمیمی گرفت، بایستی تسلیم آن شد، باید تبعیت کرد.



نکته‌ی سوم: این را من اعلام میکنم، همه‌ی افراد بدانند؛ اینهایی که رد صلاحیت میشوند، لزوماً آدمهای بی‌صلاحیتی نیستند. اینجور خیال نشود که حالا چون فلانی در انتخابات رد صلاحیت شد، پس دیگر بکلی از صلاحیت ساقط است؛ نه، طبق قانون، در انتخابات نمیتواند به عنوان نامزد شرکت کند، اما ممکن است مقامی که او را رد صلاحیت کرده، اشتباه کرده باشد. ممکن است برای این کار صلاحیت نداشته باشد، اما صلاحیتهای فراوان دیگری داشته باشد. اینجور نباشد که اگر کسی رد صلاحیت شد، این معنایش این باشد که او دیگر از هستی ساقط شد؛ نه، صلاحیتهای گوناگون دیگری وجود دارد.

آخرین مطلب در باب انتخابات این که: مسئولان از توطئه‌ی دشمن در کار انتخابات غافل نشوند. آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی‌آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأی‌نیاوردگان سال 88 رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند. همه‌ی نامزدهای انتخابات و همه‌ی هواداران‌شان، خودشان را در مقابل توطئه‌ی احتمالی دشمن مسئول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، القاء فضای اختلاف و ناامیدی نشود، تا ان شاءالله انتخابات خوبی داشته باشیم.

بسم الله الرحمن الرحيم  
والعصر. انّ الانسان لفي خسر.  
الا الذين ءامنوا و عملوا الصّالحات و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصّبر.

خطبه‌ی دوم

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله ربّ العالمين و الصّلاة و السّلام على سيّدنا و نبيّنا ابي القاسم المصطفى محمّد و على ءاله الأطيبين  
الأطهرين سيّما بقيّة الله في الأرضين و صلّ على عليّ امير المؤمنين و فاطمة الرّهراء سيّدة نساء العالمين و صلّ على  
الحسن و الحسين سيّدي شباب اهل الجنّة و على عليّ بن الحسين و محمّد بن عليّ و جعفر بن محمّد و موسى بن جعفر و  
عليّ بن موسى و محمّد بن عليّ و عليّ بن محمّد و الحسن بن عليّ و الخلف القائم المهديّ حججك على عبادك و امنائك  
في بلادك و صلّ على ائمّة المسلمين و حماة المستضعفين و هداة المؤمنين.



بار دیگر همه‌ی برادران و خواهران عزیز نمازگزار را دعوت میکنم به تقوای الهی. آنچه را که در خطبه‌ی دوم به طور معمول عرض میکنیم، در خطبه‌ی اول به عرض شما برادران و خواهران رساندم. در این خطبه، با معذرت از همه‌ی نمازگزاران عزیز، خطاب من به برادران عرب ماست که دوران حساسی را میگذرانند. خطبه را عربی خواهم خواند.

ترجمه‌ی خطبه‌ی عربی [متن خطبه عربی]

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
الحمد لله رب العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیدنا و نبینا محمّد و آله الطّاهرین و صحبه المنتجبین و من تبعهم  
باحسان الی یوم الدّین.

برادران مسلمان ما در هر جا که باشید! سلام علیکم و رحمة الله و برکاته

میخواهم در ماه ربیع و در آستانه‌ی میلاد رسول خاتم (ص)، نخستین سالگرد بهار بیداری اسلامی و برانگیختگی برادران و خواهران عرب را از مصر و تونس و لیبی تا بحرین و یمن و بعضی از سرزمینهای اسلامی دیگر، از سوی ملت ایران و همه‌ی مسلمین جهان تبریک بگویم.

یک سال پُرماجرا گذشت. در تونس و مصر، رأی ملتها برای نخستین بار محترم شمرده شد و در هر دو کشور به جریانهای اسلامگرا تعلق گرفت. در لیبی نیز چنین خواهد شد و این اسلامگرایی با صفاتی چون ضد صهیونیستی بودن، ضد دیکتاتوری بودن، استقلال طلبی، آزادیخواهی و پیشرفت طلبی در سایه‌ی قرآن، مسیر محتوم و اراده‌ی قاطع همه‌ی ملتهای مسلمان خواهد بود. این موج که سه دهه پیش سرنوشت ایران اسلامی را نیز در چنین ایامی (مصادف با 22 بهمن) رقم زد و نخستین ضربه‌ی سنگین را بر جبهه‌ی آمریکا، ناتو و صهیونیسم فرود آورد و بزرگترین دیکتاتوری سکولار و دست‌نشانده‌ی منطقه را فروپاشاند، در همین ایام و با همان سبک و همان مطالبات، کل خاورمیانه‌ی اسلامی و عربی را در بر گرفته است.



اراده‌ی خداوند به بیداری ملت‌ها تعلق گرفته است و قرن اسلام و عصر ملت‌ها فرا رسیده و در آینده، سرنوشت کل بشریت را تحت تأثیر قرار خواهد داد. و مگر جوانان و روشنفکران در واشنگتن و لندن و مادرید و رُم و آتن، با الهام از میدان تحریر، به خیابان‌ها نیامدند؟

حساسترین بخش‌های جهان اسلام را نهضت بازگشت به اسلام و اعاده عزت و هویت و رهائی فراگرفته است و همه جا شعار «الله اکبر» به گوش میرسد. ملت‌های عرب، دیکتاتورهایشان را نمی‌خواهند؛ سیطره دست‌نشانگان و طواغیت را بر خود، دیگر تاب نمی‌آورند؛ از فقر و عقب‌ماندگی و تحقیر و وابستگی به ستوه آمده‌اند؛ سکولاریزم را در سایه‌ی سوسیالیسم و لیبرالیسم و ناسیونالیسم قومی آزمودند و همگی را بن‌بست یافتند؛ و البته ملت‌های عرب به دنبال افراطی‌گری، خشونت مذهبی، بازگشت به عقب، تعصبات فرقه‌ای و قشری‌گری با برچسب اسلامگرائی نیز نیستند.

انتخابات تونس و مصر و شعارها و رویکردهای مردم یمن و بحرین و سایر سرزمین‌های عربی، علامت می‌دهد که همه می‌خواهند «مسلمان معاصر» بدون افراط خشک‌سرانه و تفریط غربگرایانه باشند و با شعار «الله اکبر» می‌خواهند مسلمانانه، با ترکیب «معنویت»، «عدالت» و «عقلانیت»، و با روش «مردم‌سالاری دینی»، از پس تحقیر و استبداد و عقب‌ماندگی و استعمار و فساد و فقر و تبعیض صد ساله رهائی یابند؛ و این، درست‌ترین راه است.

رژیم‌های عربی که در معرض خشم مردمشان قرار گرفته‌اند، چه خصوصیاتی داشته‌اند؟ دین‌ستیزی، سرسپردگی و دست‌نشان‌دگی غرب (آمریکا، انگلیس و ...) همکاری با صهیونیست‌ها و خیانت به فلسطین، دیکتاتوری‌های خانوادگی و وراثتی، فقر مردم و عقب‌ماندگی کشور در کنار ثروت‌های انبوه خانواده‌های حاکم، تبعیض و بی‌عدالتی و فقدان آزادی قانونی و پاسخگوئی قانونی، از خصوصیات مشترک آنها بوده است. حتی تظاهر به اسلام یا جمهوریت در برخی موارد نیز نتوانسته مردم را فریب دهد. اینها واضح‌ترین علائم برای شناخت ماهیت خیزش ملت‌های عرب است؛ اعم از آنها که پیروزی‌های بزرگی به دست آوردند، یا آنان که ان‌شاءالله به دست خواهند آورد.

هر ادعای دیگری در مورد ماهیت این جنبش‌ها که با شعار «الله اکبر» صورت گرفته، نادیده گرفتن واقعیت در جهت بهره‌برداری‌های دیگر و تحمیل‌ها و انحرافات بعدی است. آینده‌ی این انقلاب‌ها با همین اصول سنجیده خواهد شد و معیار اصالت یا انحراف انقلاب‌ها همین آرمان‌ها خواهد بود. ضد را به ضد میتوان شناخت و انقلاب‌ها را به ضدیت با صفات رژیم‌هایی که به لرزه افتاده‌اند. انقلابیون همچنان باید مراقب هدف‌تراشی‌ها و تلاش‌هایی که برای تغییر شعارها صورت می‌گیرد، باشند.





بی شک غرب میکوشد انقلابها را تبدیل به ضد انقلاب کرده و نهایتاً با بازسازی رژیمهای قدیمی به شیوهی جدید و تخلیهی احساسات توده‌ها و جابه‌جائی اصول و فروع و تغییر مهره‌های خود و اصلاحات صوری و تصنعی و ظاهرسازی دموکراتیک، دوباره برای ده‌ها سال دیگر سیطره‌ی خود را بر جهان عرب حفظ کند.

غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و بویژه سالهای اخیر پس از شکستهای پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و اینک مصر و تونس و ... کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند، تا عملیات تروریسم ضد مردمی را به جای «شهادت‌طلبی»، «تعصب و تحجر و خشونت» را به جای «اسلامگرایی و جهاد»، «قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی» را به جای «اسلام‌خواهی و امت‌گرایی»، «غربزدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی» را به جای «پیشرفت مستقل»، سکولاریزم» را به جای «علم‌گرایی»، «سازشکاری» را به جای «عقلانیت»، «فساد و هرج و مرج» اخلاقی را به جای «آزادی»، «دیکتاتوری» را به نام «نظم و امنیت»، «مصرف‌زدگی، دنیاگرایی و اشرافیگری» را به نام «توسعه و ترقی»، «فقر و عقب‌ماندگی» را به نام «معنویت‌گرایی و زهد» قلمداد کند.

دو قطبی سرمایه‌داری و کمونیسم که جنگ بر سر قدرت و ثروت بود، پایان یافت و امروز دو قطبی میان مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین با مستکبران به رهبری آمریکا و ناتو و صهیونیسم است. دو اردوگاه اصلی تشکیل شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد.

این فرصت کوتاه را نمیخواهم با بازخوانی گذشته و تقدیر از ملتهای عرب بگذرانم. بی شک همه‌ی ما و جهانیان چشم به منطقه دوخته‌ایم و ملتهای برخاسته از جزیره‌العرب تا شمال آفریقا را تحسین میکنیم؛ ولی اینک مایلم از امروز و فردا بگوییم.

سال گذشته در همین نماز جمعه با مردم شریف مصر، در حالی که هنوز سایه‌ی نامبارک حسنی مبارک بر سرشان بود، سخن گفتم و امروز که دوران جدید آغاز شده و دیکتاتور در حال محاکمه است، همه‌ی ما امیدوارانه‌تر به آینده‌ی جنبش مصر عزیز و سایر اعراب می‌اندیشیم.

مؤلفه‌هایی که از اطراف گوناگون در صحنه‌ی انقلابها حضور دارند، چه کسانی‌اند؟



1) آمریکا، ناتو، رژیم صهیونیستی و متحدین و وابستگانشان در برخی رژیمهای عربی

2) ملتها و جوانان

3) احزاب و فعالان سیاسی اسلامی و غیر اسلامی

هر يك در چه موقعیتی و با چه اهدافی اند؟

گروه اول، بازندگان اصلی در مصر و تونس و سایر نهضتها بوده و خواهند بود. مشروعیت و اینک موجودیت قطب سرمایه‌داری و الگوی لیبرال دموکراسی غرب، حتی در خود اروپا و آمریکا نیز با خطر اضمحلال روبه‌رو شده و در شرائطی شبیه شرائط بلوک شرق کمونیستی در دهه 80 میلادی قرار گرفته‌اند. فروپاشی اخلاقی و اجتماعی، بحرانهای بی‌سابقه‌ی اقتصادی، شکستهای بزرگ نظامی در عراق و افغانستان و لبنان و غزه، سقوط یا تزلزل اکثر دیکتاتورهای وابسته و دست‌نشانده‌ی آنان در کشورهای مسلمان و عربی و بویژه از دست دادن مصر، به خطر افتادن رژیم صهیونیستی از شمال و غرب و از درون به نحوی بی‌سابقه، افشاء شدن ماهیت وابسته‌ی سازمانهای بین‌المللی و برخوردهای گزینشی و سیاسی با مسئله‌ی دموکراسی و حقوق بشر، تناقض‌گوئی و پریشان‌گوئی در موضعگیری دوگانه در برابر مسائل لیبی، مصر، بحرین، یمن و ...

اینها دسته‌ی اول را در بحران اعتماد جهانی و بحران تصمیم‌گیری عمیقی فرو برده است و اینک بزرگترین هدفشان پس از ناتوانی از مهار و سرکوب ملتها، تلاش در جهت تسلط بر افاق فرمان انقلابها و نفوذ به درون احزاب مؤثر، حفظ حداکثری ساختارهای قبلی رژیمهای فاسد و اکتفاء به رفرمهای سطحی و نمایشی، بازسازی نیروهای بومی خود در کشورهای انقلاب کرده، تطمیع، تهدید و احتمالاً در آینده، ترور و یا تلاش برای خریدن برخی افراد و گروهها در جهت متوقف ساختن یا ارتجاع در انقلابها و سرد کردن، مأیوس کردن یا درگیر کردن مردم با مسائل فرعی و با یکدیگر، دامن زدن به تضادهای قومی و قبیله‌ای یا مذهبی و یا حزبی، جعل شعارهای انحرافی در جهت تغییر ماهیت جنبشها، کنترل مستقیم یا غیرمستقیم بر ذهن و زبان انقلابیون و کشاندن آنان به درون بازی‌های سیاسی و یا تفرقه‌اندازی



میان آنان و از طریق آنان، میان گروههای مردمی، تلاش برای سازش پشت پرده با برخی خواص با وعده‌هائی دروغ همچون کمک مالی و... و ده‌ها ترفند دیگر است که به نمونه‌هائی از آنها در کنگره‌ی بین‌المللی بیداری اسلامی در تهران قبلاً اشاره کردم.

برخی رژیم‌های وابسته و محافظه‌کار عرب نیز در کنار آمریکا و ناتو، برای حفظ خود هم که شده، با تمام قوا میکوشند عقربه‌های زمان را متوقف کرده و انقلاب‌های منطقه را به عقب برگردانده و یا به ناکجاآباد بکشانند و تنها سرمایه‌شان برای این اثرگذاری، دلارهای نفتی است و هدف اصلی ایشان، شکست مردم مصر، تونس، یمن، لیبی و بحرین و... و حفظ ثبات و تضمین بقاء رژیم صهیونیستی و ضربه به جبهه‌ی مقاومت در منطقه است.

اما گروه دوم و اصلی، ملت‌هایند. ملت‌ها چه میخواهند؟ نظرسنجی‌های مکرر آمریکائی‌ها در مصر و اکثر کشورهای اسلامی، واقعیت را به آنها گفته است. از 2003 تا 2008 میزان گرایش به مسجد و شعائر اسلامی، از جمله حجاب و پوشش زنان، بین 40% تا 75% در ملت‌ها از مصر و اردن تا ترکیه و مالزی و... افزایش یافته و میزان نفرت از آمریکا با میانگین 85% در کشورهای اسلامی و عربی بالا رفته و بویژه پس از دیدن پیروزی جوانان حزب‌الله و حماس در جنگ‌های 33 روزه و 22 روزه و شکست و خروج آمریکا بدون هیچ دستاوردی در عراق، امید به پیروزی و آینده، در جوانان عرب مضاعف شده است.

شخصیت‌های محبوب میان جوانان مصر، مجاهدان ضد صهیونیستی مسلمان بوده‌اند. نفرت از صهیونیسم، توجه به قضیه‌ی فلسطین و عزت‌طلبی اسلامی، از شاخص‌های اصلی ملت‌هاست. در انتخابات اخیر 75% مردم مصر به شعارهای اسلامی رأی دادند. در تونس نیز اکثریت، همین پرچم را بالا بردند. در لیبی، این درصد اگر بالاتر نباشد، پائین‌تر نیست. مردم از نمایندگانشان و از حکومت‌های جدید، برای آینده نیز همین‌ها را میخواهند. مردم، مصر عزیز و محترم و آزاد را میخواهند؛ مصر کم‌دیوید را نمیخواهند، مصر فقیر و وابسته را نمیخواهند، مصر تحت فرمان آمریکا و متحد اسرائیل را نمیخواهند، مصر متحجر و افراطی و نیز مصر غربگرا و لائیک و وابسته را نمیخواهند. مصر آزاد، عزیز، اسلامی و مترقی، مطالبه‌ی اصلی مردم و جوانان است و به دنبال درگیری نیستند. بدنه‌ی ارتش مصر با مردم است و کسانی در داخل و خارج مصر میخواهند ارتش را در آینده با مردم درگیر کنند و همه باید مراقب باشند. بدنه‌ی ارتش مصر، نفوذ آمریکا و دوستان اسرائیل را برنخواهد تابید.

همچنین وقتی از اسلامگرایی در مصر یا تونس و لیبی سخن می‌رود، اسلام رسول‌الله (ص) است که در مدینه سایه‌ی رحمت و امنیت بر سر اهل ذمه از مسیحی و یهودی گسترده. سخن از اسلام، به معنی دعوت به جنگ دینی میان



خداپرستان و یا جنگ مذهبی و فرقه‌ای میان مسلمانان نیست. مصر، مصر مجمع تقریب مذاهب اسلامی و شیخ شلتوت است.

مردم مصر و تونس و لیبی بدانند که آنچه اینک دارند، هنوز يك انقلاب ناتمام است و گرچه گامهای بلندی برداشتند، ولی ماجرا تازه آغاز شده است. مسائلی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و برای ما پیش آوردند و هنوز ادامه دارد و به فضل الهی در همه‌ی آنها شکست خورده‌اند و خواهند خورد، صدها برابر مشکلاتی بود که انقلاب تا پیش از سرنگونی شاه داشت. باید هوشیار باشید و انقلابی‌تان را گام‌به‌گام تا آخرین مراحل و در يك برنامه‌ی میان‌مدت و بلندمدت پیش ببرید.

رژیم طاغوت‌های مصر، اولین حکومت عربی بود که به آرمان فلسطین خیانت کرد و راه سازش اعراب را گشود، تا آنجا که به جز يك رژیم عربی - که همان سوریه است - بقیه همگی فلسطین را فروختند و با صهیونیسم از در آشتی درآمدند. رژیم مصر، یکی از دو رژیم اصلی عربی مورد اعتماد آمریکا و اسرائیل بود و رئیس‌جمهور ریاکار کنونی آمریکا برای ارسال پیام فریب و نفاق به مسلمانان، سفر به مصر حسنی مبارک را برگزید؛ اما مردم مصر در انقلابشان نظر خود را گفتند و همه را از توهم بیرون آوردند.

امروز مصر باید دوباره در صف اول دفاع از آرمان فلسطین قرار گیرد و پیمان خیانت کمپ‌دیوید را زیر پا بگذارد و بسوزاند. مصر انقلابی، دیگر نمیتواند انرژی و گاز رژیم رو به زوال صهیونیستی را از جیب ملت فقیر و گرفتار خود بدهد.

مخاطب سوم ما، احزاب و نخبگان سیاسی در مصر و سایر کشورهای به پا خاسته‌اند. متفکران و مبارزان اسلامی در شمال آفریقا، از مصر و تونس تا الجزائر و مغرب، و بویژه مصر، از پدران فکر بیداری اسلامی و داعیان به وحدت و عزت امت و سپس رهائی قدس بوده‌اند. امروز شما وارثان خون هزاران شهید و ده‌ها هزار زندان کشیدگان و تبعیددیدگان و شکنجه‌شدگان و مجاهدان و مبارزانی هستید که ظرف دهه‌های متوالی برای چنین روزها و پیروزی‌هایی فداکاری کردند.

برادران و خواهرانم! مراقب این امانت بزرگ باشید. غرور و نیز ساده‌انگاری، دو آفت بزرگ پس از نخستین



پیروزی‌هایند. شما مسئول‌ترین افراد در عرصه‌ی نظام‌سازی، حفظ دستاوردهای مردم و حل مشکلات جنبش هستید. قدرتهای ضربه خورده‌ی جهان و منطقه، بی‌شک در افکار شیطانی به سر می‌برند؛ از فکر حذف و انتقام، تا طرح فریب دادن و متزلزل کردن و ترساندن و به طمع انداختن شما و سپس به نابود کردن انقلابها و پدید آوردن اوضاع - و العیاذ باللہ - بدتر از گذشته می‌اندیشند. تصمیمات، مواضع و اقدامات شما، ابعاد تاریخی خواهد یافت و این دوره، «شب قدر» تاریخ کشورهای شماست.

به آمریکا و ناتو اعتماد نکنید. آنان هرگز به مصالح شما و منافع ملت شما نمی‌اندیشند. همچنین از آنان نترسید. آنان پوشالی‌اند و بسرعت ضعیف‌تر نیز شده‌اند. حاکمیت آنان بر جهان اسلام، صرفاً محصول ترس و جهل ما در 150 سال گذشته بوده است. به آنان امید نبندید و از آنان حساب نبرید. تنها به خدای متعال اعتماد کنید و فقط مردم خود را باور کنید. آنان در عراق شکست خوردند و با دستهای خالی خارج شدند؛ در افغانستان چیزی به دست نیاورده‌اند؛ در لبنان از حزب‌الله، و در غزه از حماس شکست خوردند و اینک در مصر و تونس به دست مردم، به پائین کشیده شده‌اند. هیچ چیز طبق برنامه‌ی آنان پیش نرفته است. بت غرب نیز چون بت کمونیسم شکست و ترس ملتها ریخت. مراقب آینده باشید که شما را نترسانند.

مراقب بازی‌های آنها باشید. همچنین وارد بازی دلارهای نفتی وابستگان و متحدان غرب در میان اعراب نشوید، که در آینده از این بازی‌ها سالم بیرون نخواهید آمد. اسرائیل رفتنی است، نباید بماند و نخواهد ماند. شروع انحراف در نهضت‌های کنونی، تن دادن به بقاء رژیم صهیونیستی است و ادامه‌ی مذاکرات سازش و تسلیم که رژیم‌های ساقط شده آن را پایه‌گذاری کردند.

خواست عمومی ملت‌هایتان بازگشت به اسلام است؛ که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلابها باذن‌الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلابها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است.

در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه‌ترین زمانها ان‌شاءالله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ای مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» منهای «مارکسیزم»، و «نظم» منهای «فاشیسم



غرب» را نهادینه کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مترقی اسلام را حفظ کنید، بی آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی آنکه سکولاریزه و محافظه کار شوید.

تعریفها باید بازخوانی و اصلاح شوند. دو الگوی «اسلام تکفیری» و «اسلام لائیک» از سوی غرب به شما پیشنهاد شده و خواهد شد تا الگوی «اسلام اصولگرای معتدل و عقلانی» در میان انقلابهای منطقه تقویت نشود. کلمات را دوباره و بدقت تعریف کنید.

«دموکرات بودن» اگر به معنای مردمی بودن و انتخابات آزاد در چارچوب اصول انقلابهاست، همه دموکرات باشید؛ و اگر به معنای افتادن به دام لیبرال دموکراسی درجه‌ی دوم و تقلیدی باشد، هیچ یک دموکرات نباشید.

«سلفی‌گری» اگر به معنای اصولگرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزشهای اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیاء شریعت و نفی غربزدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریزم و بی‌دینی خواهد شد.

به اسلام مطلوب واشنگتن و لندن و پاریس بدبین باشید؛ چه از نوع لائیک و غربگرا، و چه از نوع متحجر و خشن آن. به اسلامی که رژیم صهیونیستی را تحمل میکند، ولی با مذاهب اسلامی دیگر بیرحمانه مواجه میشود، دستی آشتی به سوی آمریکا و ناتو دراز میکند، ولی در داخل به جنگهای قبیله‌ای و مذهبی دامن میزند و اشداء با مؤمنین و رحماء با کفار است، اعتماد نکنید. به اسلام آمریکائی و انگلیسی بدبین باشید، که شما را به دام سرمایه‌داری غرب و مصرف‌زدگی و انحطاط اخلاقی میکشانند. در دهه‌های گذشته، هم نخبگان و هم حاکمان، به وابستگی بیشتر خود به فرانسه و انگلیس و آمریکا و یا شوروی افتخار میکردند و از سمبلهای اسلامی میگریختند؛ و امروز همه چیز برعکس شده است.

بدانید که غرب در صدد انتقام بر خواهد آمد؛ انتقام اقتصادی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی! اگر ملت‌های مصر و تونس و لیبی و ... ان شاء الله در مسیر خدا ادامه دهند، ممکن است به تحریمها تهدید شوند.



و اما کلام آخر: اعلام آمادگی جمهوری اسلامی و ملت بزرگ ایران برای همکاری و خدمت به شماست، و خدمت ما و شما به همدیگر. انقلاب اسلامی ایران موفق‌ترین تجربه‌ی اسلامی عصر جدید بود در عرصه‌ی خودباوری ملتها و مردم‌باوری نخبگان، در عرصه‌ی نفی اسطوره‌ی شکست‌ناپذیری رژیم‌های طاغوتی و اربابشان، در عرصه‌ی شکستن غرور کمونیسم و سرمایه‌داری، ارائه مدلهای کارآمد در پیشرفتهای بزرگ کشور، با حفظ مردم‌سالاری و دفاع از ارزشهای اساسی.

برادران و خواهران! سالهاست که علیه برادران ایرانی‌تان به شما دروغ می‌گویند، و اینک حقیقت در مورد ایران اسلامی همین است که به شما عرض میکنم:

انقلاب ما پیروزی‌ها و البته ضعفهائی در مجاهدات سه دهه‌ی خود داشته است؛ اما هیچ جنبش اسلامی در جهان پس از تسلط غرب و شرق بر مسلمین در قرن گذشته، تا این حد جلو نیامده بود و این همه موانع را از سر نگذرانده بوده است.

ان شاءالله گفتگوهای بسیاری میان ما و شما برادران در پیش است. در رسانه‌های سرمایه‌داری و صهیونیسم جهانی، ایران متهم به «تروریسم» میشود؛ تنها بدان علت که حاضر نشد برادران عرب خود را در فلسطین و لبنان و عراق و ... تنها بگذارد و اشغالگران را به رسمیت بشناسد؛ حال آنکه ما خود بزرگترین قربانی تروریسم در جهان هستیم و این ترورها همچنان ادامه دارد.

اگر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، برادران مظلوم افغانی و بوسنیائی و لبنانی و عراقی و فلسطینی خود را همچون سایر حکومت‌های بظاهر مسلمان، تنها میگذارد، و اگر همچون بیشتر رژیم‌های عربی که به فلسطین خیانت کردند، ما هم ساکت میماندیم و از پشت خنجر میزدیم، هرگز ما را پشتیبان تروریسم و مداخله‌گری معرفی نمی‌کردند. ما به آزادی قدس شریف و تمامی سرزمین فلسطین می‌اندیشیم؛ این است آن جرم بزرگ ملت ایران و جمهوری اسلامی.





از امپریالیسم ایرانی یا شیعی میگویند؛ حال آنکه همه میدانند ما هرگز انقلاب اسلامی را، انقلابی صرفاً شیعی یا ملی‌گرا و ایرانی ندانسته و نخوانده‌ایم و در این سی سال هرچه هزینه داده و تهدید شده‌ایم، به علت اسلامگرایی و امت‌گرایی و شعار وحدت و تقریب مذاهب و آزادی و عزت برادران مسلمان از شرق آسیا تا عمق آفریقا و اروپا بوده است.

ایران اسلامی در عرصه‌ی علم، تکنولوژی، حقوق اجتماعی، عدالت اجتماعی، توسعه، بهداشت، تأمین کرامت زنان و حقوق اقلیتهای دینی و ... گامهای بزرگ و بی‌نظیری برداشت. ما ضعفهای خود را نیز میشناسیم و بعون الله درمان میکنیم ان شاء الله.

معادله‌ی مقاومت در منطقه با کمک جمهوری اسلامی تغییر یافت. تبدیل و ارتقاء سنگ در دست فلسطینیان به «موشک جواب موشک» در غزه و سایر مقاومت‌های اسلامی در برابر اشغالگران، الهام از انقلاب اسلامی بود.

ایران به دنبال ایرانی کردن اعراب یا شیعی کردن سایر مسلمین نیست؛ ایران به دنبال دفاع از قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و احیاء امت اسلامی است. برای انقلاب اسلامی، کمک به مجاهدان اهل سنت سازمانهای حماس و جهاد و مجاهدان شیعی حزب الله و امل، به یک اندازه واجب شرعی است و احساس تکلیف میکند. ملت و حکومت ایران با صدای بلند و قاطع اعلام میکنند که به قیام ملتها (و نه به ترور)، به وحدت اسلامی (نه غلبه و تضاد مذاهب)، به برادری مسلمین (نه به برتری قومی و نژادی)، به جهاد اسلامی (نه خشونت علیه بی‌گناهان)، ان شاء الله معتقد و ملتزم است.

برای سعادت همه‌ی ملتهای مسلمان دعا کنیم و در کنار آن، وظیفه‌ی سنگین خود را بشناسیم و به آن عمل کنیم و بدانیم که «و الله غالب علی امره». (4)

عباد الله اتقوا الله و كونوا للظالم خصما و للمظلوم عونا. اقول قولى هذا و استغفر الله لى و لكم.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَ الْفَتْحُ . وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُوْنَ فِیْ دِیْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا .  
فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُ اِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا .

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ

- (1) ابراهیم: 24
- (2) شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 319
- (3) آل عمران: 164
- (4) یوسف: 21